

سرمقاله

حکومت و نادیده گرفتن حقوق انسانی مهاجران

حفیظ الله زکی

مشکل مهاجرین امسال بیش از سال های دیگر، حکومت و مردم این کشور را تحت فشار قرار داده است. اخراج اجباری و گسترده مهاجرین از کشور پاکستان و ایران امسال بر مشکلات حکومت افغانستان افزوده است. در این میان توافقنامه حکومت افغانستان با کشورهای اروپایی در آستانه کنفرانس بروکسل که بر اساس آن کشورهای اروپایی می توانند مهاجرانی را که پناهنده گی آنها پذیرفته نشده است به افغانستان برگشت دهند، موجی از نارضایتی را در داخل و خارج افغانستان به وجود آورده است.

بسیار روشن است که افغانستان در آتش جنگ و ناامنی می سوزد و این آتش همه ساله مناطق ولسوالی های بیشتری را در بر می گیرد. این جنگ ها علاوه بر این که تعدادی را مجبور به مهاجرت به کشورهای خارج می کند، میلیون ها نفر دیگر را مجبور می سازد تا در داخل کشور و در ولایات و مناطق امن تر پناه ببرند. رسیدگی به نیازمندی های مهاجران از سوی حکومت با کاستی ها و نارسایی های زیادی مواجه می باشد. روند توزیع کمک ها برای مهاجران همواره با اعتراضات گسترده مهاجرین و مردم افغانستان همراه بوده است. حکومت اعتراض می کند که توان کمک به موج گسترده از عودت کنندگان را ندارد و آنها در تأمین نیازمندی های اولیه زندگی شان با مشکلات و دشواری های فراوانی روبرو می باشند.

درسال های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ مردم افغانستان به دلیل ناامنی، فقر و بیکاری مطلق بارهنگار راه کشورهای اروپا را در پیش گرفتند. بسیاری از آنها تمام زندگی و دارایی خود را در این راه صرف کردند، تا خود را به یکی از کشورهای اروپایی برسانند. اغلب این مهاجران را جوانان و تحصیل کردگان جامعه تشکیل می دادند. این مهاجران با تحمل سختی ها و دشواری ها بالاخره توانسته اند خود را به کشورهای اروپایی برسانند. این مهاجران مدت های طولانی را در کمپ ها بدون سرنوشت گذراندند و رنج ها را به امید پذیرفته شدن در آن کشورها تحمل کرده اند.

اکنون که رجوع مهاجران از کشورهای سوریه و عراق و کشورهای دیگر، نارضایتی های عمومی را در برخی کشورهای اروپایی به وجود آورده است و پدیده مهاجرت و چگونگی برخورد با آنها به یکی از جنجالی تری چالش های کشورهای اروپایی تبدیل شده است. حال این کشورها می خواهند به گونه ای از زیر بار پذیرش پناهجویان ششانه خالی کنند و با وضع شرایط بیشتر و سخت تر، پذیرش مهاجران را محدود سازند و آنها را به کشورشان افغانستان برگردانند.

در شرایطی که مردم ساکن در افغانستان از مشکلات جدی امنیتی و اقتصادی رنج می برند، در وضعیتی که حکومت به مهاجران عودت کننده از کشور پاکستان رسیدگی نمی تواند و در زمانی که علاوه بر مهاجرت های خارجی، میزان مهاجرت و جابجایی داخلی به دلیل ناامنی و فقر هر روز بیشتر می شود؛ هیچ دلیلی نمی تواند توجیه کننده موافقت دولت با کشورهای اروپایی در ارتباط با برگشت پناهجویان از کشورهای دیگر باشد. اگر حکومت واقعا توانمندی تأمین امنیت جانی و موقعیت های شغلی پناهجویان را دارد، پس چرا این همه افرادی که تا هنوز به هر دلیلی مهاجر نشده اند، در صدد مهاجرت به کشورهای خارج هستند؟ حکومت اول باید جلوی مهاجرت های تازه در کشور را بگیرد و امنیت مردم را تأمین کند و برای مردم ساکن در کشور کار و شغل ایجاد کند؛ سپس می تواند ادعا کند که آمادگی برای پذیرش مهاجران خارج از کشور را دارد.

بدون شک برگشت دادن مهاجران از کشورهای اروپایی جز این که بحران اجتماعی و شغلی را در افغانستان تشدید کند و حکومت را با چالش های لاینحل دیگر مواجه کند و جان بسیاری از شهروندان را به خطر بیندازد، دیگر دستاوردی برای مردم و حکومت افغانستان نخواهد داشت. هم کشورهای اروپایی و هم حکومت افغانستان می توانند که برای پناهجویان مسترد شده در افغانستان هیچ کمکی قابل توجهی صورت نخواهد گرفت و هیچ مشکل آنها حل نخواهد شد؛ با این حال آیا قوانین بین المللی و ارزش های اروپایی می توانند برگشت اجباری پناهجویان را در ناامنی ترین و فاسدترین و فقیرترین کشورهای دنیا توجیه کنند؟ آیا در این روند در کنار خواست کشورهای اروپایی و منفعت پولی کشور افغانستان به حقوق انسانی مهاجران نیز توجه صورت گرفته است؟

آیا روزنه های صلح باز می شود؟

رضا احسانی



روند مذاکرات صلح سال گذشته پس از افشا شدن مرگ ملا عمر به بن رسید و رهبری جدید طالبان مخالفت خود را با مذاکرات صلح اعلام کرد. این مسأله نه تنها که به روند صلح آسیب رساند که به مناسبات سیاسی افغانستان و پاکستان نیز خدشه وارد کرد.

نزدیک یک سال است که روابط افغانستان و پاکستان با تنش ها و اتهام زنی ها و فشارهای سیاسی همراه می باشد و بدون تردید این وضعیت بر روند صلح و گفتگوهای سیاسی با مخالفان نیز تأثیر منفی بجا گذاشت. این تلاش ها هر چند به نیت انجامیده اما دستاوردهایی را نیز به همراه داشت. حزب اسلامی حکمتیار برخلاف طالبان از مذاکرات صلح استقبال کرد و آمادگی خود را برای پیوستن به روند گفتگوهای صلح اعلام داشت. این مذاکرات که میان هیأت حزب اسلامی و حکومت انجام شد، با فراز و نشیب هایی که داشت، بالاخره به نتیجه رسید و موافقتنامه صلح میان حکومت و حزب اسلامی نهایی شد.

پیوستن این حزب که یکی از عمده ترین احزاب جهادی و با پیشینه مبارزاتی نسبتا طولانی، به شمار می رود، یک گام جدی و ارزنده در راستای برقراری صلح در افغانستان به حساب می آید. منصفانه نخواهد بود که ما از قرار گرفتن حزب اسلامی در کنار دولت افغانستان، انتظار ختم جنگ و برقراری صلح و امنیت کامل در کشور را داشته باشیم؛ زیرا حزب اسلامی یک حزب است و دارای قدرت و نفوذ محدود، بنابراین تأثیرش در روند صلح نیز محدود خواهد بود. در یک و نیم دهه گذشته جنگ افغانستان را بیشتر گروه طالبان به پیش برده و رهبری کرده است. این گروه هم اکنون نیز بزرگترین چالش امنیتی در افغانستان محسوب می گردد. صلح و آشتی در افغانستان بدون گروه طالبان در کوتاه مدت ناممکن به نظر می رسد. از اینرو با پیوستن حزب اسلامی به دولت بازهم جنگ با شدت بیشتری توسط گروه طالبان، شبکه حقانی و گروه

داعش رهبری و به پیش برده می شود. اما با همه این ها حزب اسلامی یک ضلع مهم رقابت های سیاسی در افغانستان است و پیوستن این گروه به دولت، پروسه صلح را در بسیاری از بخش های کشور تقویت کرده و توجه مخالفان را به اهمیت صلح و یکجا شدن با حکومت در چوکات قوانین و ارزش های دموکراتیک جلب خواهد کرد.

طالبان پس از مخالفت با گفتگوهای صلح، از شروع عملیات بهاری خود در اول اسفند خبر دادند و این عملیات با شدت تمام در مناطق مختلف ولایات شمالی و جنوبی شروع شد و تعدادی از مراکز ولایت ها را با خطر سقوط مواجه کرد و تعدادی از ولسوالی ها به تصرف طالبان در آمدند. جنگ کندز که حتا به سقوط دوباره این ولایت به دست طالبان منجر شد و تا هنوز هم نیروهای این گروه در اطراف این شهر حضور قوی دارند و حمله بر شهر لشکرگاه مرکز ولایت هلمند و حمله بر ترینکوت مقابله با گروه داعش، بیشتر تقویت شد.

اکنون آمریکا و کشورهای اروپایی به دلیل خلاصی از مشکلات افغانستان، خواهان برقراری امنیت و ثبات در این کشور می

باشند. کشور چین نیز به دلیل منافع سیاسی و بخصوصی منافع اقتصادی خود می خواهد که در افغانستان امنیت برقرار باشد تا این کشور بتواند راه های تجاری خود را در سطح منطقه باز کند. امنیت افغانستان علاوه بر این که زمینه کنترل گروه های اسلامی شورشی را در مرزهای آن کشور فراهم می سازد، توسعه تجارت با کشورهای آسیای مرکزی و جنوبی به دست می آورد.

همکاری آمریکا و چین در نشست های چهارجانبه نمایانگر این مطلب بود که این دو کشور علیرغم رقابت های که در سطح بین المللی با یکدیگر دارند، در مسأله افغانستان و ایجاد صلح و امنیت در این کشور کاملا هم نظر و همکار می باشند. از اینرو پاکستان ممکن است به رهبران طالبان قیامنده باشد که حضور آنها در پاکستان به لحاظ سیاسی، وجهه این کشور را در انظار بین المللی خدشه دار کرده است. لذا آنها باید سعی کنند مراکز و پایگاه خود را در یکی از مناطق مرزی افغانستان انتقال دهند. تلاش بی وقفه و جنگ های دود رو و رو به چینه ای با نیروهای امنیتی در هلمند، سیکنال های واضحی بود که خواست طالبان را برای تصرف این مناطق برملا می کرد. حتا در رسانه این مسأله به گونه گسترده به نشر رسید که طالبان می خواهند ولایت هلمند را به دو بخش تقسیم کرده و دفتر کوبیت را به یک بخش از این ولایت انتقال دهند.

اعلام همکاری جدی عربستان با روند صلح افغانستان و ملاقات های رییس امنیت ملی کشور با سران طالبان در قطر و دیدارهای هیأت طالبان با مقامات پاکستان، نشانه روشنی از یک تغییر در رویکرد سیاسی و امنیتی افغانستان را رونما می سازد؛ اما این تغییرات در توان مدیریت این مقامات در نحوه مقابله با بحران و درگونی های ناآرامی دارد. این تغییرات ممکن است فرصت های آشنستی و صلح با گروه های مسلح را بهتر مساعد سازد.

چرا اختلافات درون حکومتی حل نمی گردد؟

مهدی مدبر



پدیده شده است. با توجه به تشدید اختلافات درون حکومتی و وضعیت دشوار امنیتی و تشد حملات گروه طالبان، به نظر می رسد که رهبران حکومت باید سیاست های شان یکبار بصورت جدی بازبینی بکنند. همه ی رهبران و اعضای بلند پایه ی حکومت باید در یک گفتگوی باز و آزاد شرکت بکنند و ریشه های اختلافات درون حکومتی را بررسی کنند و برای از بین بردن این اختلافات راه حل جستجو بکنند. مشارکت سیاسی اقوام مختلف افغانستان در درون نظام نیز باید بصورت جدی، واضح و شفاف بررسی شود و تلاش صورت گیرد تا مشارکت عادلانه تمام اقوام افغانستان در قدرت سیاسی، تأمین گردد.

رهبران حکومت وحدت ملی باید وضعیت دشوار کشور را درک بکنند و به همین خاطر باید تلاش ورزند تا به یک اتحاد سیاسی دست یابند و برای اداره بهتر امور حکومت در سراسر کشور، به یک نگاه واحد و جامع دست یابند. بدون دست یابی به چنین دیدگاهی و تلاش برای به کرسی نشاندن تصمیم های شخصی و فردی و محدود سازی ساحت ی تصمیم گیری، حکومت وحدت ملی هیچگاه قادر نخواهد شد که از چالش های فرا رویش عبور کند. رهبران حکومت وحدت ملی باید متوجه شده باشند که اختلافات درون حکومتی، هر روز ثبات سیاسی کشور را بیشتر تهدید می کند و در معرض آسیب پذیری قرار می دهد، بنا بر این، آنها نباید بگذارند که این اختلاف افزایش یابد و جدی تر شود و دامنه اش به درون اجتماع و مردم افغانستان کشانیده شود و باعث بوجود آمدن تنش های اجتماعی بین اقوام مختلف افغانستان گردد و یکبار دیگر ما را به روزهای تلخ و سیاه گذشته برگرداند.

اما سؤال اساسی این جا است که چرا رهبران حکومت وحدت ملی اختلافات درونی شان را حل نمی کنند؟ آیا آنها به عنوان رهبران حکومت، نمی دانند که اختلافات درونی شیرازه حکومت را هم خواهد پاشید و پیامدهای ناگوار برای حکومت و مردم افغانستان خواهند داشت؟ آیا آنها نمی دانند که با توجه به شرایط بد امنیتی، اختلاف درونی می تواند روحیه و موزال نیروهای امنیتی کشور را تضعیف بسازد و در نتیجه بازم مراکز دولتی و تجهیزات به دست گروه طالبان و شورشیان مخالف دولت بیفتد؟ با توجه به همه این چالش ها و پیامدهای ناگوار، چرا هنوز اختلافات سیاسی موجود است؟ رهبران حکومت وحدت ملی تلاش جدی برای حل این اختلافات نمی کنند؟

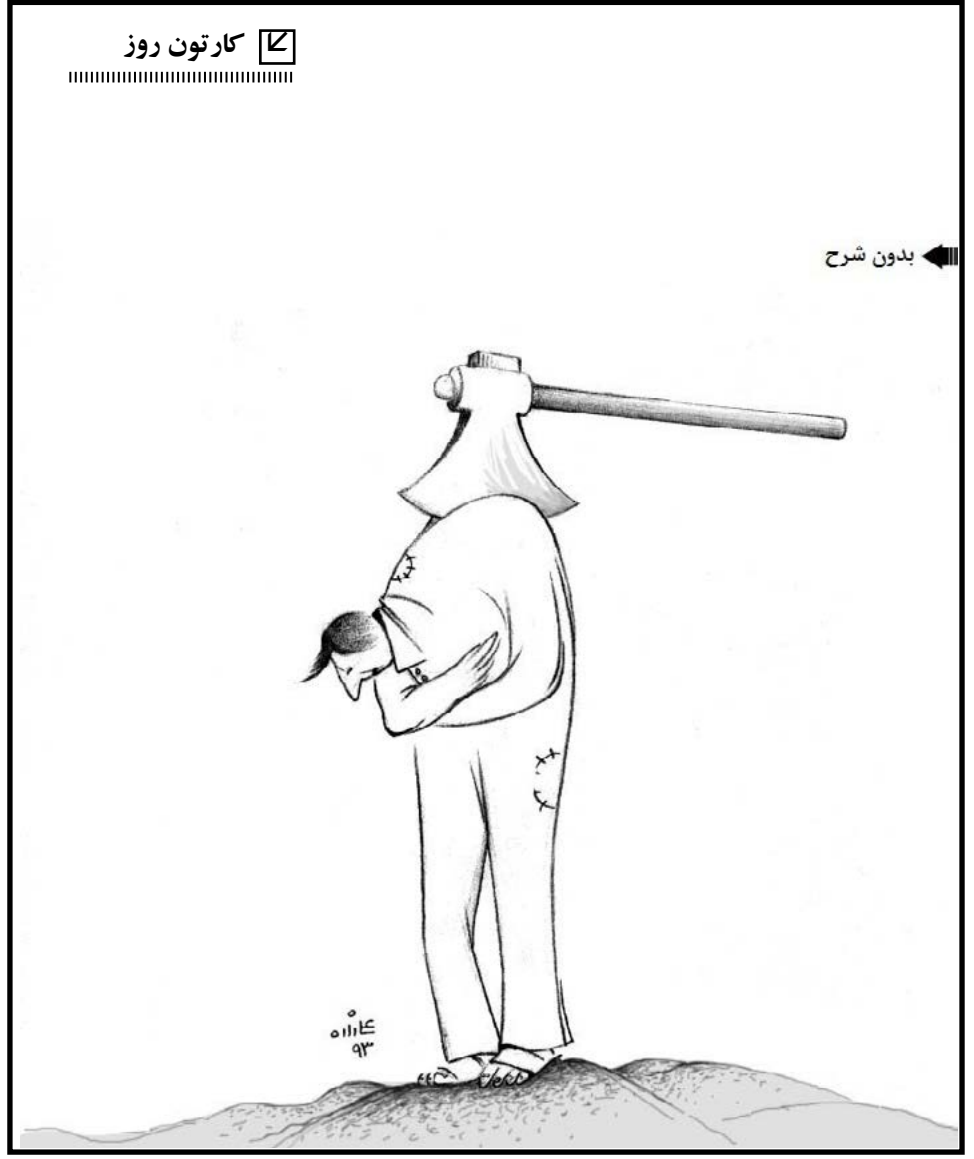
سهیم هستند، اما رئیس اجرائیه ادعا داشت که سهم او کمتر از چیزی است که در موافقتنامه گفته شده است. اختلافات درون حکومتی در واقع یکی از چالش های جدی حکومت وحدت ملی در دو سال گذشته بوده است، اکثر این اختلافات ریشه در تعیین وزرا و مسئولین پست های مهم دولتی در وزارت خانه ها، ولایت ها و سفارت خانه ها دارد. هر دو رهبر حکومت وحدت ملی تا یک سال نتوانستند بر سر انتخاب وزیر دفاع به توافق برسند و بر سر انتخابات مسئولین بسیاری از پست های دیگر دولتی نیز اختلاف جدی داشتند. با انتقاداتی که در روزهای گذشته از سوی معاون اول رئیس جمهور مطرح شده است، دیده می شود که هنوز رهبران حکومت وحدت ملی نتوانسته اند به یک دیدگاه واحد در مورد اداره حکومت دست یابند و اکنون اختلافات درون حکومتی بصورت جدی تر و آشکارتر دوام می یابد. تدام این اختلافات نگرانی ها را از پیامدهای منفی آن افزایش داده است.

آنچه که اکنون اختلافات را جدی تر می سازد، قومی سازی اختلافات سیاسی رهبران حکومت وحدت ملی است. هم معاون اول رئیس جمهور و هم نماینده ارشد رئیس جمهور در امور حکومت داری خوب، حکومت را به قسوم گرای می متمم کرده است. این کار اختلافات سیاسی را به درون اجتماع می کشاند و باعث وجود آمدن تنش های اجتماعی خواهد بود. بخصوص که این انتقادات در جاهای مطرح شده است که پایگاه های مردمی منتقدین

غورماچ ولایت فاریاب به ولایت جوزجان، در یک نشست خبری در شهر شیرخان، اینگونه رهبران حکومت وحدت ملی را مورد انتقاد قرار داده است. گفته می شود معاون اول رئیس جمهور پس از همکاری نکردن فرماندهان محلی و مسئولان امنیتی شمال و نیز نرسیدن تجهیزات و امکانات نظامی برای او، جبهه جنگ را ترک کرده است و به جوزجان برگشته است.

جنرال دوستم پیش از این نیز از رئیس جمهور غنی انتقاد کرده بود که به معاونانش صلاحیت لازم را نمی دهد. او گفته بود که امضایش در ادارات دولتی نمی چلد. انتقادات جنرال دوستم در شمال کشور در حالی مطرح می شود که احمد ضیا مسعود نماینده فوق العاده رئیس جمهور در امور حکومت داری خوب، در ولایت پنجشیر حکومت را به قوم گرای متمم کرده است و گفته است که به او صلاحیت های لازم داده نشده است.

اختلافات درون حکومتی با انتقادات تند داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه از رئیس جمهور غنی رسانه یی شد. آقای عبدالله رئیس جمهور را متمم به عدم پایبندی به موافقتنامه تشکیل حکومت وحدت ملی کسر و او را بی حوصله خطاب کرد. بعد از این انتقادات رئیس جمهور و رئیس اجرائیه چندین بار باهم دیدار کردند و توانستند میزان اختلافات شان را کاهش دهند. اما گفته می شود بعضی اختلافات میان رئیس جمهور و رئیس اجرائیه هنوز هم موجود است. در توافق نامه تشکیل حکومت وحدت ملی گفته شده است که هر دو رهبر بصورت پنجاه پنجاه در حکومت



Advertisement for 'The Daily Afghanistan Ma' featuring a globe and the text 'افغانستان با Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Magazine'.

Advertisement for 'The Daily Afghanistan Ma' featuring contact information and a list of staff members including 'بنیان گذار: داکتر حسین یاسا' and 'مدیر مسول: محمد رضا هویدا'.